



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۷۵ دقیقه



سید بهروز پرنوی

نام آزمون: ادبیات یازدهم تشریحی سری ۱

تاریخ آزمون:

۱ «حملة حیدری» در چه قالبی سروده شده است؟

۲ در دو بیت زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

سحر دیدم درخت ارغوانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم

کشیده سر به بام خسته جانی
بهارت خوش که فکر دیگرانی

۳ با توجه به بیت زیر، به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست»

الف) ارکان تشبیه را بنویسید.

ب) آرایه تضاد بیت را بیابید.

۴ شعر «صبح بی تو» در چه قالبی سروده شده است؟

۵ حکایت «مهمان ناخوانده» از کدام کتاب برگزیده شده است؟

۶ در عبارات زیر واژه‌های حذف شده را بیابید و نوع قرینه آن را مشخص کنید.

الف) و در وی شکار بسیار و اختلاف صیادان آن جا متواتر.

ب) نتوان دانست که قصد من دارد یا از آن کس دیگر.

۷ در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) چرا که با چرتکه بازان بد نهاد روبه‌رو هستید.

ب) قیافه یغورم هر پدرمرد مصیبت‌دیده‌ای را می‌خنداند.

۸ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) ثقت دوستان به کرم عهد تو بیفزاید.

ب) مرا بدین ملامت نباید کرد.

ج) مطوَّقه و یارانش مطلق باز گشتند.

۹ معادل و هم‌معنای واژه‌های زیر را بنویسید.

«مذهب - ماده‌ای که ماهیت اجسام را تغییر می‌دهد - دریا - نوعی جامه‌ی جلو باز - آب دهان - اسبی که بر اعضای او نقطه باشد - جنگ»

۱۰ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

الف) خروشید و برجست لرزان ز جای
بدرید و بسپرد محضر به پای

ب) چو کاوه برون آمد از پیش شاه
بر او انجمن گشت بازارگاه

۱- در کدام بیت شجاعت و آزادگی کاوه ترسیم شده است؟

۲- در بیت «ب» کدام واژه «مجاز» است؟

۳- کدام بیت نشان‌دهنده پاسخ مثبت مردم به قیام کاوه است؟

۱۱ در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، مراعات نظیر و تشبیه» را بیابید.

«یکی محضر اکنون باید نوشت
که جز تخم نیکی سپهد نکشت»





۱۲) جدول زیر را کامل کنید.

صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت	بن مضارع	فعل
				شناخت
				دارد می آید
				داشت می گفت
				خواهی رفت

۱۳) معنای بیت زیر را بنویسید.

«بزن زخم این مرهم عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است»

۱۴) با توجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«ادب عرفانی این دُرّ گرانمایهٔ انسانیت لبریز از معانی لطیف و شورانگیز است،

الف) کدام واژه «معطوف» است؟

ب) کدام گروه بدلی است؟

۱۵) لغات مشخص شده را معنا کنید.

الف) علّت شهرت او به مولانا رومی، اقامت طولانی او در شهر قونیه بوده است.

ب) بهاء‌ولد از آنجا که دیار روم پادشاهی دانا و صاحب بصیرت داشت به آن جا رفت.

۱۶) در عبارت زیر منظور از «نماز پیشین» چیست؟

«و این مرد بزرگ و دبیر کافی به نشاط قلم در نهاد و تا نزدیک نماز پیشین از مهمات فارغ شده بود،»

۱۷) با توجه به عبارت به سوالات پاسخ دهید.

«بسیار دعا کرد و گفت: این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است حساب این نتوانم داد و نگویم که مرا

سخت دربایست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است، قانعم وزر و وبال این چه به کار آید؟»

الف) جمله «مرا به کار نیست» را معنا کنید.

ب) واژه‌های «وزر» و «وبال» را معنا کنید.

پ) عبارت «نگویم که مرا سخت دربایست نیست» را معنا کنید.

ت) قاضی بست چه دلایلی را برای رد نمودن طلاهای اهدایی امیر مسعود مطرح می‌کند؟

۱۸) عبارات زیر را معنا کنید.

الف) تا این عارضه اوفتاده بود، بونصر نُکت نامه‌های رسیده را، به خط خویش بیرون می‌آورد.

ب) این مرد بزرگ به نشاط قلم در نهاد و تا نزدیک نماز پیشین این مهمات فارغ شده بود.

۱۹) در ابیات زیر معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) زاغی از آنجا که فراغی گزید بخت خود از باغ به راغی کشید

ب) دید یکی عرصه به دامان کوه عرضه ده مخزن پنهان کوه

۲۰) با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

«دریاب که مبتلای عشقم آزاد کن از بلای عشقم»

الف) بیت چند جمله است؟

ب) اجزای جمله‌ها را طبق زبان معیار به ترتیب بنویسید.

پ) نقش ضمیر «م» را در مصراع اول و دوم بنویسید.

ت) دو ترکیب اضافی بیابید.

ث) جمله دوم چند جزء دارد؟ مشخص کنید.



پاسخنامه تشریحی

۱ «حملة حیدری» در قالب مثنوی سروده شده است زیرا هر بیت قافیه جداگانه‌ای دارد. طرز قرار گرفتن قافیه‌ها در قالب مثنوی:

×	_____	×	_____
△	_____	△	_____
○	_____	○	_____
□	_____	□	_____
◇	_____	◇	_____

۲ سحر: قید ← چون می‌توان آن را از جمله حذف کرد.

درخت: مفعول ← چه چیزی را دیدم؟ درخت

بام: متمم ← چون بعد از حرف اضافه «به» آمده است.

آهسته: قید ← چون می‌توان آن را از جمله حذف کرد.

ت: مضاف الیه ← بهار تو خوش باد.

نهاد مضاف‌الیه

۳ الف) مشبه: او (محذوف، ضمیر متصل ش در چنگش)، مشبه‌به: چنگ / ادات تشبیه: چو / وجه‌شبهه: رگ و استخوان و پوست ماندن

ب) دشمن و دوست متضادند.

۴ غزل

۵ جوامع‌الحکایات و لوازم‌الروایات

۶ الف) حذف به قرینه معنوی: و در وی شکار بسیار (بود) و اختلاف صیادان آن‌جا متواتر (بود).

ب) حذف به قرینه لفظی: قصد من دارد یا از آن کس دیگر (دارد).

۷ الف) نهاد: سرشت، ذات، وجود، طینت، طبع. (بدنهاد: بذات)

ب) یغور: درشت و بدقواره

۸ الف) ثقت: اعتماد کردن، اطمینان

ب) ملامت: سرزنش، نکوهش

ج) مطلق: آزاد، رها شده

۹ مذهب: کیش

ماده‌ای که ماهیت اجسام را تغییر می‌دهد: اکسیر

دربا: یم

نوعی جامه جلوه‌باز: قبا

آب دهان: خدو

اسبی که بر اعضای او نقطه باشد: ابرش

جنگ: غزا

۱۰ پاسخ: ۱- بیت «الف» ۲- بازارگاه مجاز از مردم بازار است. ۳- بیت «ب»

۱۱ کنایه: «تخم نیکی کاشتن» کنایه از نیکوکار بودن است.

تناسب: تخم و کاشتن

تشبیه: تخم نیکی: اضافه تشبیهی، نیکی به بذری تشبیه شده است.

۱۲

صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت	بن مضارع	فعل
شناسنده	شناخته	شناختنی	شناس	شناخت
آینده	آمده	آمدنی	آ	دارد می‌آید
گوینده - گویا	گفته	گفتنی	گو	داشت می‌گفت
روا - رونده - روان	رفته	رفتنی	رو	خواهی رفت

۱۳ به ما زخم بزنید که آن موجب آسایش و راحتی ماست. اگر انسان‌های آزاده بدون آسیب بمیرند غم بزرگی برایشان محسوب می‌شود.

۱۴ الف) معطوف: شورانگیز ب) گروه بدلی: این دُر گران‌مایه انسانیت

۱۵ الف) قونیه: یکی از شهرهای آسیای صغیر در کشور ترکیه امروزی

ب) دیار: سرزمین، شهر / بصیرت: بینش، دانایی



۱۶) نماز ظهر

۱۷) الف) مرا به کار نیست: به آن نیاز ندارم

ب) وزر: گناه / وبال: سختی و عذاب، گناه

پ) نگویم که مرا سخت دربایست نیست: نمی‌گویم که بسیار نیازمند نیستم

ت) دلایل قاضی: ۱- ترس از پرسش روز قیامت، ۲- قانع بودن به مال کم دنیا

۱۸) الف) زمانی که این بیماری پیش آمده بود، بونصر شخصاً از نامه‌های رسیده نکته‌برداری می‌کرد.

ب) این مرد بزرگ با خوش حالی به نوشتن پرداخت و تا نزدیک نماز ظهر این کارهای بزرگ را تمام کرده بود.

۱۹) الف) فراغ: آسودگی، آسایش / راغ: صحرا، دامنهٔ سبز کوه

ب) عرصه: فضا، ساحت / عرضه ده: نشان‌دهنده، نشانگر

۲۰)

الف) ۳ جمله

۱- دریاب

۲- مبتلای عشق هستم

۳- از بلای عشق، مرا آزاد کن

ب) دریاب/ که (من) مبتلای عشق م (هستم) / مرا از بلای عشق آزاد کن

پ) «م» مصراع اول مخفّف فعل هستم و نشان‌دهندهٔ نهاد جمله نیز است.

«م» در مصراع دوم «مفعول» است.

ت) مبتلای عشق، بلای عشق

ث) سه جزء دارد.

(من) / مبتلای عشق / هستم

نهاد مسند فعل